

# ملیت پرستی و شنعت طالبی

افسانه خاشع

زندگی اقلیتهای قومی غیر پشتون ساکن در قندهار مرکز اصلی امارت طالبان، خیلی سخت و دردآور است. بویژه بعد از سوی قصد ناکام اخیر علیه جان ملا عمر رهبر طالبان، که منجر به کشته شدن تعدادی از نگهبانان و نزدیکان او از جمله برادرش گردید، اذیت و آزار غیر پشتونها (تاجکها، هزارها، ازبکها و .... تشدید شده است. طالبان مخالفان شان در اتحاد شمال رامتهم به دست داشتن به این انفجار کرده اند، آنها به هر شخص منتصب به اقلیت های ملی دیگر سوژن دارند و به چشم دشمن به آنها نگاه میکنند. منابع قابل اعتماد افغانی که در این اواخر *Frontier Post* از جنوب افغانستان باز دید کرده اند به خبر گزاری گفته اند: « به تعقیب انفجار اخیر، برخورد طالبان نسبت كئفءء به اقلیت های تاجك، هزار و ازبك در قندهار سخت تر شده است».

اقلیت های ملی ساکن قندهار شاکی اندکه مقامات طالبان برخورد زشتی با آنها دارند و هر روز مورد اذیت و آزار مقامات محلی طالبان قرار میگیرند. بعد از انفجار اخیر، هزاران نفر از اقلیت ها غیر پشتون در قندهار و مناطق دیگر را به جرم داشتن در این حادثه بازداشت نموده اند و بعد از گذشت ماه ها، هنوز از سرنوشت اکثریت آنها خبری نیست.

منابع یاد شده میافزایند که مقامات طالبان در قندهار از مردم خواسته اند تا اقلیت های غیر پشتون را از محله های شان برانند. قبل از انفجار مردم فارس زبان در مناطق کابلشاه، گارنیزیون و شهرنو زندگی میکردند، اما بعد از این حادثه، اینها بزور به وسیله سربازان طالبان به منطقه توپخانه کوچانیده شده اند تا تحت کنترل و مراقبت بیشتر قرار داشته باشند. محل یادشده در اثر جنگهای چند ساله بکلی ویران گردیده و بطور

عموم غیر قابل سکونت میباشد؛ طالبان به منظور جستجو و مراقبت اهالی غیر پشتون، زنان را مامور بازرسی خانه های مردم نموده اند.

بسیاری از غیر پشتون ها، حتی آنهاییکه با خانواده های پشتون رابطه فامیلی دارند و در قندهار زندگی میکنند با مشکلات بی شماری مواجه اند. يك باشند در منطقه گنج چندین بار توسط مقامات طالبان بجرم پناه دادن به فامیلش که پشتون نبوده مورد اذیت و آزار قرار گرفته است. تازگی ها در گزارش امنیستی نیز به برخورد غیر انسانی طالبان نسبت به مردم منتصب به اقلیت های ملی غیر پشتون انتقاد شده است، ولی چنانچه شاهد هستیم تصفیه قومی ابعاد گسترده تری یافته است. این برخورد ددمنشانه و ضد انسانی، از تصفیه های خونین شهریان بینوای کابل بدست جنایتکاران اسلامی (تاجک، ازبک، هزاره و پشتون تبار) سالها قبل آغاز یافته بود و امروز بصورت سیستماتیک بوسیله امارت وحشت و قصاص ادامه دارد.

---

## از جنایات اسلامیست ها تا وقاحت يك شونیست

---

افسانه خاشع

داکتر کبیر ستوری رهبر «حزب سوسیال دموکراتیک پشتونها» ، حرکت اخیر ظاهر شاه را مورد انتقاد قرار داده و آنرا نتنها بر ضد طالبان بلکه بر علیه پشتونها و تقویت مخالفین خوانده است. ستوری میگوید: «تدویر لوی جرگه به وسیله ظاهر شاه اقدامی است از جانب ایران، که میخواهد افراد و گروپ ها را بر ضد طالبان تقویت نماید» او میافزاید: «ظاهر شاه به دلیل اقامتش در تبعید از سال ۱۹۷۳ بدین سو، صلاحیت تدویر لوی جرگه را ندارد و یگانه شخصیت باکفایت در شرایط امروزی افغانستان که

صلاحیت تدویر لویه جرگه را دارد شخص امیر المومنین ملامحمد  
عمر است» .

داکتر ستوری میگوید: «ظاهر شاه در اصل یک پشتون بود اما  
حقیقت این است که شاه سابق به مشکل میتواند زبان مادری  
اش را صحبت کند» او میافزاید: «ظاهر شاه نتنها باعث  
گسترش مناسبات دوستانه با ایران در هنگام زمامداریش گردید  
بلکه جدا سازی پشتونها را از طریق برقراری رابطه دیپلوماتیک با  
پاکستان نیز پذیرفت» . او میگوید: «در حین حال ظاهر شاه  
خودشرا دشمن پاکستان وانمود میکرد، به اصطلاح دشمنی که  
بعداً خودشرا در جدا سازی پشتون ها و مصیبت های آنها نشان  
داد. ظاهر شاه این کار را کرد زیرا که او میخواست پشتونها را  
از هم جدا سازد، چون احساس خطر از جانب نیرو های متحد  
پشتون مینمود».

ستوری موضع سازمان ملل و تحریم اقتصادی مورد حمایت این  
سازمان را علیه افغانستان محکوم نموده و میگوید: « همچون  
گامی نخواهد توانست مشکلات کنونی را حل نماید و از  
سازمان ملل خواست تا دولت قانونی ؟ طالبان را به رسمیت  
بشناسد».

اگر از این بگذریم که ظاهر شاه کیست و لویه جرگه ( این ابزار  
تحمیق مردم افغانستان در طول قرون ) مورد نظرش چیست، مگر  
از وقاحت و جهل مضاعف آقایون که سوسیال دموکرات تشریف  
آورده اند و از سروصورت شان فاشیسم قومی میبارد، نمیتوان  
گذشت. بنأ وظیفه تمام آزادیخواهان و هر انسان مترقی است که  
جلو فاشیسم قومی از هر رنگ و قماش ایستاده و چهره کریه و  
ضد انسانی آن و مدافعین عمامه بسر یا تحصیل کرده اش را  
برای توده های زحمتکش افشا نمایند، تا مردم یکبار دیگر و  
اینبار تحت نام هویت های قومی شان گوشت دم توپ ارتجاع

قومی نگرندند.